

بررسی و مقایسه جایگاه تربیت دینی و اخلاقی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و قرآن کریم

خدیدجه زارعی محمودآبادی^۱، محمدعلی فلاح یخدانی^۲

^۱ گروه برنامه ریزی درسی، واحد تفت دانشگاه پیام نور، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ گروه برنامه ریزی درسی، واحد تفت دانشگاه پیام نور، یزد، ایران.

چکیده

مقدمه: در این نوشتار برآنیم تا تربیت را از دیدگاه اسلام و اندیشمندان مسلمان و قرآن کریم بررسی کنیم. اگر بخواهیم تعریفی برای تربیت دینی داشته باشیم، خیلی کوتاه، گویا و قابل فهم این طور می‌گوییم: آن شکوفاسازی فطرت‌های الهی است. وقتی فطرت‌های پاک الهی که در وجود فرزندان ما نهاده شده است را می‌آوریم به منصفه رفتار او، کلام او، خلق و خو و منش و اخلاق او می‌رسانیم، این تربیت دینی می‌شود قطعاً اگر ما بخواهیم یک نسل جامعی را تربیت کنیم، هم باید استعدادهای عمومی او را شکوفا بکنیم. یعنی او را تربیت بکنیم و اگر بخواهیم آن تکامل بخشی و هدف خلقت را دنبال بکنیم، باید تربیت دینی یعنی فطرت‌های او را هم شکوفا بکنیم که رفتار و کردار او براساس آن فطرت‌ها شکل بگیرد و عمل بکند و خیلی از پاکی‌ها و نورانیت‌های انسان‌ها براساس همان فطرت‌های الهی است و این‌ها حتماً باید تربیت شود. می‌خواهیم بدانیم تربیت دینی و اسلامی چیست؟ در روش صحیح تربیت چه فرآیندی باید طی شود؟ **روش پژوهش:** روش مورد استفاده، توصیفی – تحلیلی با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوا می‌باشد. جامعه پژوهش منابع و مقالات معتبر دینی و مبانی نظری که ایده اندیشمندان مرتبط با متغیرهای پژوهش بوده به روش هدفمند انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته و همزمان با فرایند فیش برداری اطلاعات جمع‌آوری شده و تحلیل داده‌ها به صورت مستمر و پی‌درپی انجام گرفت. **یافته‌ها:** یافته‌های این پژوهش شامل توصیف و تبیین الگوها و رویکردهای تربیت دینی و اخلاقی که در مبانی نظری و منابع معتبر دینی و مقالات مرتبط مطرح گردیده است و تاثیر آن در تربیت دینی فرزندان و در نهایت کمک به تحقق اهداف مورد بررسی و بازبینی قرار گرفت. در این پژوهش مراد از علم تربیت دینی؛ علم تجربی یا انسانی است از که جهت گیری الهی برخوردار باشد و در راستای اهداف و انگیزه دینی قرار گیرد. **نتیجه گیری:** نتایج تحقیق نشان داد که نگاه به مقوله الگوها و رویکردهای تربیت دینی و اخلاقی جامع نگر بوده و به خوبی می‌توان به آن استناد نمود و در راستای تحقق اهداف تربیت دینی می‌توانند نقش بسیار مهمی ایفا نمایند. مقاله‌ی حاضر با مقایسه‌ی مفاهیم بنیادین دین، تربیت و تأثیرات متقابل این دو بر یکدیگر از دیدگاه اندیشمندان مسلمان، به مقایسه‌ی مدل تربیت دینی در ساحت فکری آنان پرداخته و با اشاره به نقاط همسو و در عین حال، جهات افتراق دیدگاه آنها و بیان وجوه مختلفی همچون حرکت و شدن، عشق ورزی، اخلاق، آزادی، دستیابی به سعادت و ... در نهایت برتری نگرش را آشکار خواهد نمود.

واژه‌های کلیدی: علم دینی، تربیت، اخلاق، اندیشمندان مسلمان

مقدمه

تربیت در جریان زندگی انسان نقش مهم و اساسی دارد. ارائه یک تعریف جامع و مانع از تربیت قدری مشکل به نظر می رسد. به همین دلیل اغلب کسانی که در این راه تلاش کرده یا می کنند، بالاخره یا به تعریف تجویزی یا قیدی از تربیت روی می آورند و یا مانند فلاسفه پیرو مکتب تحلیل زبان به جای تعریف معین از تربیت به تحلیل و تبیین مفهوم آن با توجه به مصادیق می پردازند. تربیت دینی در جامعه معاصر ایران، به دلایل فراوانی از جمله جهانی شدن و ورود گسترده فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی به زندگی روزمره افراد، دستخوش تغییر و تحول شگرف و در عین حال خطرناک شده است. تربیت در لغت، به معنای پرورش دادن است. تربیت که از اهداف بسیار مهم خلقت و ارسال رسل و انزال کتب از سوی خداوند است نمی تواند بدون هدف باشد. بر ماست که ضمن شناسایی اهداف تربیت در جهت تامین آن برنامه ریزی کنیم.

تعریف تربیت

تربیت یک فرمولی دارد. شاید این پرسش ایجاد بشود که اصلاً خود تربیت یعنی چه؟ ما تربیت را در یک جمله کوتاهی تعریف می کنیم و بعد تربیت دینی را برای شما بیان خواهیم کرد که تربیت دینی چه معنایی دارد. شهید مطهری وقتی می خواهند تربیت را تعریف بکنند می فرمایند: آن شکوفاسازی استعداد های بالقوه انسان است. [مطهری، ۱۳۵۱] خداوند متعال در وجود همه انسان ها، یک گنجینه بزرگی را نهاده است. یعنی وقتی خداوند به ما این فرزند را ارزانی می کند، این فرزند مجموعه ای از یک سری استعداد ها و توانمندی ها است. در یک جمله این فرزند یک گنجینه است. ما باید آن استعداد ها و توانمندی ها را از درون فرزند استخراج کنیم، به منصفه رفتار او، کلام او، خلق و خوی او برسائیم. این یعنی آن تربیت که دنبال آن هستیم. تربیت را می توان شکوفایی استعداد های بالقوه انسان در رفتار، گفتار و اخلاق انسان، تعریف کرد. بر اساس آیات قرآن، هدف خلقت انسان بندگی خدا است که جز با تربیت دینی محقق نخواهد شد. تربیت دینی عبارت است از: شکوفایی فطرت های الهی در رفتار، گفتار و اخلاق انسان.

زمانی ما نسلی جامع تربیت خواهیم کرد که هم استعداد های عمومی و هم فطرت های الهی او را شکوفا سازیم. وظیفه والدین در تربیت دینی افزایش آگاهی ها، مهارت ها و توانمندی ها است. صبر، استمرار و روشمندی فرمول صحیح در فرآیند تربیت است. تربیت به صورت دفعی اتفاق نمی افتد بلکه همانند تار و پود است که باید با صبر، استمرار و روشمندی شکل بگیرد.

در قرآن کریم، مشتقات تربیت چندین بار به کار رفته است، از جمله:

الف) «و تری الارض هامده فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت؛ [حج، ۵] زمین را خشک و بی حاصل می بینی، پس هنگامی که باران فرو می فرستیم تکانی می خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می شود.»

ب) «و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرا؛ [اسرا، ۲۴] بگو خدایا والدینم را مورد رحمت خود قرار ده همان طوری که آنان مرا در کودکی مورد لطف و رحمت خویش قرار دادند.»

بعضی از محققان می گویند: ربّ در جمله «ربّیانی» از مادّه ربو است نه از ماده ربب چون معنای تربیت، در نوع مواردی که به کار رفته عبارت است از نمو و زیادت جسمانی و پرورش مادّی؛ و تربیت و سوق دادن به کمال و سعادت معنوی در اغلب موارد ملاحظه نشده است، البتّه تربیت به مفهوم عامّ آن همه مراتب نشو و نما و زیادتی را - اعم از مادی و معنوی - شامل می شود. بنابراین واژه «تربیت»، - با توجه به ریشه آن - به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است. علاوه بر این، تربیت به معنای تهذیب و از بین بردن صفات ناپسند اخلاقی نیز به کار رفته است. با این نگرش که تهذیب اخلاقی مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است و از این حیث می توان تهذیب را نیز تربیت دانست.

مفهوم تربیت از منظر اسلام

انسان موجودی است مشحون از قابلیت ها و توانایی های نهفته درونی که باید در جریان تربیت آشکار گشته و به ظهور برسد. از سوی دیگر بسیاری از خلیات و صفات نیکو باید از طرق مختلف در وجود وی ایجاد شده و به کمالش برساند.

این پرورش دادن ها به معنی شکوفا کردن استعداد های درونی آن موجود هاست و از همین جا معلوم می شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت باشد؛ یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا بشود باید کوشش کرد همان استعدادی که در آن هست بروز و ظهور کند، اما اگر استعدادی در یک شیء نیست، بدیهی است چیزی که نیست و وجود ندارد نمی شود آن را پرورش داد. مثلاً استعداد درس خواندن در یک حیوان وجود ندارد به همین جهت ما نمی توانیم به یک حیوان مثلاً ریاضیات یاد بدهیم که مسائل حساب و هندسه را حل کند؛ زیرا استعدادی که در او وجود ندارد نمی شود پرورش داد.

امام راحل «ره» در این زمینه می فرماید:

«اساس عالم بر تربیت انسان است. انسان عصاره همه موجودات است و فشرده تمام عالم است و انبیاء آمده اند برای این که این عصاره بالقوه را بالفعل کنند و انسان یک موجود الهی بشود که این موجود الهی تمام صفات حق تعالی در اوست و جلوه گاه نور مقدس حق تعالی است». بنابراین تربیت از دیدگاه اسلام پرورش استعداد و به فعلیت در آوردن آن است.

اما معنای نخست تربیت که بیشتر بر محور عادت دور می زند از نظر اسلام به طور مطلق پذیرفته نیست؛ چرا که عادت دو قسم است:

اقسام عادت در تربیت خاص

۱- عادت انفعالی: که انسان تحت تاثیر عوامل خارجی و بدون اراده و از روی عادت کاری را انجام دهد. چنین عادت های سخت منفور اسلام است و برای این که مسلمانی در احکام دین دچار این گونه عادت نشود در صدر بسیاری از افعال نیت را به عنوان رکن آن قرار داده است. تا هر انسان مسلمانی که به آن اقدام می کند از روی توجه و اراده باشد. اما اگر کسی از روی عادت اقدام به کاری کند اسلام ارزشی برای آن قایل نیست، چنانچه امام صادق (علیه السلام) فرمود: «لا تنظروا الی طول رکوع الرجل و سجوده فان ذلک شیء اعتاده فلو ترکهُ استوحش لذلک ولكن انظروا الی صدق حدیثه و اداء امانته؛ [مجلسی، ۱۳۱۵ ق.]. به طول رکوع و سجود فرد نگاه نکنید که آن چیزی است که عادت کرده است و اگر آن را ترک کند وحشت می کند، بلکه به راستی در گفتار و اداء امانت او بنگرید.»

چنین عادت های در حقیقت ارزش اخلاقی یک کار را از بین می برد و نمی تواند ملاک انسانیت و ایمان باشد.

۲- عادت فعلی: و آن این است که انسان بدون آن که تحت تاثیر عوامل خارجی قرار گرفته باشد با اراده و اختیار خودش به انجام کاری اقدام نماید؟ از آن جا که این کار را مکرر انجام داده است می تواند به آسانی انجام دهد. هنرها و فنون از این گونه عادت ها است. نقش عادت این موارد آسان تر کردن کار است و بس.

چنین عادت های نه تنها مورد تایید اسلام است که از دید عقلی نیز از آن ناگزیریم؛ زیرا بسیاری از کارها را انسان نمی تواند یکباره انجام دهد بلکه به مرور و تدریج باید با آن خو گرفته و عادت کند. مثل نوشتن ما که نیاز به تمرین دارد. علمای اخلاق نیز که تاکید می کنند باید فضایل به صورت خوی و ملکه در آید منظورشان همین نوع عادت است. پس از نظر اسلام تربیت به معنی پرورش است، نه عادت.

تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی(س)

بعضی از آن بزرگواران همچون شهید اول و دوم و ... به فیض شهادت نائل آمدند تا مگر دین خدا و سنت رسول(ص) زنده بماند و بدین سبب بود که افتخار بزرگ (لَوْلَاهُمْ لَآنْدَرَسَتْ أَثَارُ النَّبُوَّةِ) را نصیب و بهره خود ساختند. به ویژه حضرت امام خمینی که با انقلاب شکوهمند خود در میان بیدارگران اقلیم قبله بارزترین چهره درخشان زمان و شاخص ترین مدافع شریعت در عصر حاضر گردید و چون تُند تُندری غرید و مانند پتکی گران بر فرق ستمگران و منحرفان فرود آمد. صاعقه وار خرمن جان پلیدشان را سوزانید و هیبت مستکبران را از دل ها زدود، و روحی نو در کالبد بی رمق دیانت دمید. زیرا بر اثر تبلیغات سوء چند ده ساله استعمارگران به نهایت ضعف کاربرد خود رسیده بود. دشمنان قسم خورده اسلام چپاول گران شرق و غرب که (به منظور غارت منابع ملی مسلمانها) بر نابودی دین کمر خصومت بسته بودند ارزش های والای اسلامی انسانی را منزوی و ارزش های کاذب و دروغین را در زندگی مردم وارد کرده بذریع خبری غفلت و پوچ گرائی را در زمین دل ها افشاندند فرهنگ جامعه را آلوده به فساد و انحراف نموده بودند.

پیر مُراد ما شمع کم فروغ دیانت را فروغی نو بخشید تعلیم و تربیت را بر طرحی نو بنیاد نهاد نه از آن گونه دستورالعمل ها که در کُتب تعلیم و تربیت نویسند و قواعد و قوانین آن را به اصل ها و فصل ها و بخش ها تنظیم نمایند (درسش هم کتبی بود و هم عملی) پس نمی توان میان آنچه آن بزرگ خلق کرد و آفرید، با آنچه اندیشمندان و متفکران نویسند و ارائه می کنند مقایسه ای در انداخت، آنچنان که موضوع و خواست این مقال است.

زیرا فرق است میان آن که مُربی رفتار خود را بر قواعد نوشتاری اندیشمندان تطبیق نماید و سیر حرکت خود را بر دستورالعمل های مکتوب و مدون نظم و نسق بخشد با مربیی که ملاک گفتار و کردارش وحی و سنت رسول(ص) و هدفش ابلاغ کلمه حق باشد پس:

میان ماه من با ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است.

اگر مربی شایسته و لایق آن باشد که بتواند افراد تحت تربیت خود را به تجدید نظر در گفتار و رفتارهای ناهنجارش وابداء تعریف خوبی برای مُربی باشد هر قدر شعاع عملی تربیت مُربی گسترده تر باشد قدر و منزلت مُربی فراتر و والاتر خواهد بود. مُربی یک کلاس مُربی یک مدرسه مُربی یک جامعه، مُربی یک امت بزرگ ... قدر و منزلتی متفاوت دارند.

آری تحوّل شگرفی که بوسیله مُربی بزرگ قرن «حضرت امام» نخست در جامعه ما پدید آمد و سپس دامن این موج پرهیمنه از مرزهای جغرافیائی عبور کرد و پیروان آئین محمدی صلی الله علیه و آله را فرا گرفت، قابل مقایسه با نظرات اندیشمندان تعلیم و تربیت نیست و ماهیتاً فرق می کند. کوشش ما در این مقال بیان همین فرق است و معتقدیم که همین فرق ماهوی کاربردی ترین ویژگی تعلیم و تربیت اسلامی است.

هنر امام(س) را نباید (بت شکنی مستکبران دانست، بلکه مهم ترین هنر امام قالب شکنی سنت ها و جایگزینی ارزش های والای اعتقادی به جای ارزش های کاذب تحمیلی و در یک کلام زدودن غبارهای حَجیم طاغوتی از چهره اسلام ناب محمدی بود. ما با خواست خداوند بر آنیم تا فرق ماهوی تعلیم و تربیت اسلامی را از گفتار و کلام امام با تعلیم و تربیت از نگاه دانشمندان روشن نمائیم).

تعلیم و تربیت از نظر معنای لغوی و حوزه کاربردی با هم متفاوتند دامنه تربیت از دامنه تعلیم به مراتب گسترده تر است. زیرا تربیت در مورد موجودات غیر شعورمند هم به کار می رود مانند تربیت گل ها، درخت ها و ...

این واژه از ریشه (رَبَّ) ربّ گرفته شده است و به معنای تربیت کردن تا رسیدن به رشد بکار می رود و به همین معنا در قرآن کریم ربّ کل شیئی آمده است.

۱ - قُلْ أَعْرِضْ لِلَّهِ إِبْغَىٰ رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ، [انعام، ۱۶۴] ۲ - اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ [انعام، ۱۶۴]

۳ - قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ [انعام، ۱۶۴].

راغب در مفردات می گوید (ربّ) در اصل به معنای تربیت است و بر فاعل به طور استعاره گفته می شود. ربّ بر خداوند بطور مطلق و بر غیر خداوند «مقیّد» بکار می رود. اگر بر غیر خداوند بکار رود اغلب به معنای تربیت کننده نیست مانند: رب الدار و رب الضیعة. در قرآن آمده است که: وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ [سوره نمل، ۲۶].

رب به معنای مربی از اسماء الحسنی است و مقام ربوبیت خداوند را روشن می کند یعنی آنگاه که در وصف خداوند گفته شود (رَبُّ الْعَالَمِينَ) مراد تربیت کردن و پرورش دادن تمام موجودات است. با توضیح فوق روشن شد که تربیت فراگیرتر از تعلیم است که به ندرت در مورد غیر انسان به کار می رود. تعلیم و تربیت از این جهت اشتراک دارند که از معنای تعلیم متعلّم و فراگیر و از معنای مربّی «مترّبی» تربیت پذیر استفاده می شود عقدالواسط میان معلّم و متعلّم (علم) است و عقد الواسط میان مربّی و مترّبی (تربیت) می باشد.

اینها امهات مسائلی است که باید درباره آنها به تحقیق پرداخته شود اما قبل از بررسی مسائل فوق شناخت انسان که موضوع علم تعلیم و تربیت است ضروری می نماید. ما می خواهیم انسان را تعلیم و تربیت نمائیم آیا به درستی انسان را می شناسیم؟ و می دانیم کمال سعادت انسان در چیست؟ یا تنها خداوند که خالق و آفریدگار اوست او را می شناسد و راه رسیدن به سعادت و کمال او را ترسیم می کند.

تعاریف دانشمندان از تعلیم و تربیت

۱ - انتقال معلومات و مهارت ها

۲ - تشکیل عادات و صفات معینی در فرد

این تعریف جامع نیست زیرا عادات و صفات مُعین در فرد تمام جنبه های هدایتی را شامل نمی شود.

۳ - به فعلیّت رساندن قوا و استعدادها

۴ - آماده کردن فرد برای زندگی کردن در اجتماع معین

۵ - ایجاد محیط مساعد برای ارضاء رغبت های فرد

در این تعریف جامعه فدای رغبت های فرد می شود. در صورتی که باید فرد مفید به حال جامعه باشد.

۶ - رها ساختن فرد از آداب و قیود اجتماعی و فراهم کردن وضع طبیعی برایش این تعریف با تعریف پنجم چندان فرقی ندارد زیرا فکری به حال جامعه نشده است.

۷ - رشد قوه قضاوت صحیح

این تا حدودی صحیح است زیرا اگر انسان به رشد کافی برای قضاوت برسد بسیاری از رفتارهای نادرست خود را اصلاح می کند.

۸ - راهنمایی جنبه های مختلف رشد شخصیت فرد

این تعریف تا حدودی تعریف خوبی است در تمامی تعریف های فوق یا توجه به حال جمع، و یا به حال فرد نشده است.

انسان چیست؟ یا کیست؟

برخی از دانشمندان شناخت انسان را غیر ممکن دانسته اند و کتاب (انسان موجودی ناشناخته) را تألیف کرده اند.

[کارل، ۱۴۰۲] بعضی از فلاسفه معتقدند که انسان ابتدا وجود دارد و بعد ماهیت خود را می سازد (ژان پل سارتر) بعضی دیگر می گویند «انسان موجودی است که حد و ماهیتی ندارد» پویا است در یک حد معین متوقف نمی شود در این پویندگی حق انتخاب و گزینش هم دارد، این پویندگی در جهت کمال تا بی نهایت، و در جهت فساد و سقوط تا بینهایت پیش می رود.

رابطه تربیت و اخلاق

در هم تنیدگی فرایند تربیت و اخلاق موجب شد که مرز مشخصی در گذشته میان این دو تصویر نشود و فرایند تربیت با اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقی بودن به مثابه تربیت یافتگی انگاشته شود چنان که غزالی چنین نگاشت: معنی تربیت این است که مربی، اخلاق بد را از آدمی باز ستاند و به دور اندازد و اخلاق نیکو جای آن بنهد. (غزالی، ۴۵۰ق).

خواجه نصیر الدین طوسی نیز چنین نوشت: تربیت صنعتی است که از طریق آن مدارج عالیّه انسانی فراهم می آید و پست ترین مراتب انسانی به کامل ترین رتبه خود می رسند. [خواجه طوسی، ۶۷۲ق]. اما امروزه، جدا انگاری فرایند اخلاق و تربیت تردید ناپذیر است.

حال برای تبیین بیشتر تفاوت های این دو فرایند و رابطه آنها، حوزه و قلمرو این دو فرایند را بررسی می کنیم.

۱- تربیت فرایندی بسیار گسترده است و گستره آن به تمامی ابعاد، توانائی ها، قابلیت ها و به همه شئون وجودی آدمی گسترانده شده و تمامی زمینه های وجود آدمی را در بر می گیرد اما فرایند اخلاق یکی از حیطه ها و ساحت های تربیت به شمار می آید. از این رو می توان گفت تربیت اقسام فراوانی دارد و از آن جمله: تربیت بدنی، تربیت عقلانی، تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت جنسی، تربیت عاطفی، تربیت عرفانی، تربیت مدنی، تربیت اجتماعی و ... استاد مطهری دز این باره می نویسد: تربیت پرورش دادن و به فعلیت رساندن تمامی استعدادها و ایجاد تعادل در هماهنگی میان آن هاست تا از این طریق متری به حد اخلاقی کمال برسد. [مطهری، ۱۴۰۱] و به تعبیر یکی از نویسندگان غربی، تربیت در زمینه جسم و جان و روان انسان است و تمامی زمینه های وجود او را در بر می گیرد. [حجتی، ۱۳۸۵]

۲- به گفته برخی از صاحب نظران، تعلیم و تربیت طی قرون متمادی تنها بر ملاحظات فلسفی و اخلاقی مبتنی بوده، امروزه نیز به رغم تسلط دانش بشر در زمینه های زیست شناسی، جامعه شناسی و روانشناسی بر تعلیم و تربیت، باز این نکته آشکارتر شده که علم و دستاورد های فنی آن نه تنها کافی نیست بلکه همچنان باید ملاحظات اخلاقی و فلسفی مهم اصلی را در تعلیم و تربیت بر عهده داشت زیرا بررسی اهداف و غایات تربیت نه در صلاحیت علم و نه در حد تکنیک بلکه فقط در صلاحیت فلسفه و اخلاق است. [شکوهی، ۱۴۰۱]

بر این اساس می توان گفت تربیت فرایندی است که با آموزه ها و یافته ها و با علوم بسیاری از جمله: زیست شناسی، روانشناسی، روانشناسی تربیتی، روانشناسی اجتماعی، جامعه شناسی، جامعه شناسی تربیتی، دین و فلسفه، اخلاق و ... سر و

کار دارد و مبانی علمی، فلسفی و دینی خود را از یافته ها و آموزه ها به دست می آورد و ملاحظات اخلاقی یکی از مبانی تربیت به شمار می آید که با توجه به آنها تربیت شکل می پذیرد بدین تربیت می توان جایگاه فرایند تربیت را در ارتباط با فرایند اخلاق به دست آورد و تفاوت این دو را واکاوید.

۳- فرایند تربیت با تمامی رفتار آدمی در همه ساحت و زمینه ها و با تمام اقسام و انواع آن خواه صیغه ارزشی داشته باشد و یا نه ارتباط وثیق و عمیق دارد. در صورتی که فرایند اخلاق با رفتار آگاهانه ای که از سر علم و عمد و انتخاب و گزینش انجام می پذیرد و صبغه ارزشی دارد و نیز با ملکات و صفات پایداری که تکرار آن رفتار ویژه موجب پیدایش آنها شده سر و کار دارد.

۴- عالمان اخلاق فعل اخلاقی را در برابر فعل طبیعی قرار داده اند و گفته اند فعل اخلاقی از حدود کارهای طبیعی و عادی خارج است و با آنها تفاوت دارد و کار تربیتی و فرایند تربیت علاوه بر فعل اخلاقی، فعل طبیعی و رفتار عادی را نیز زیر پوشش دارد. مقصود از فعل طبیعی آن احساس گرسنگی و خواب و استراحت را در پی خستگی و نیز فعالیت های روزمره زندگی، پیداست در این کارها آدمی با حیوان مشترک است و کارها و نیز اندیشه ها و صفات و میل های مربوطه به این منظور جلب نفع مادی و دفع زیان مادی انجام می گیرند. به عبارت دیگر ریشه این گونه افعال سودجویی مادی است و فرایند تربیت تمامی این رفتارهای عادی و طبیعی و نیز رفتار اخلاقی و صفات اندیشه های مربوط به آن مختص عالم انسانی و قابل ستایش و ستایش و نکوهش و ریشه آن فضیلت جویی فطری است. [پاپکین، ۱۳۹۴]

سوالات پژوهش

- معلم و مربی چه کسانی هستند؟ و یا چه کسانی می توانند باشند؟
- تعلیم و تربیت از کجا آغاز و به کجا ختم می شود؟
- در چه زمینه هائی تعلیم و تربیت مؤثر و ثمربخش است؟
- هدف از تعلیم و تربیت دینی چیست؟ و...؟
- تربیت اخلاقی چیست؟ تربیت اخلاقی با فرایند تربیت و اخلاق چه تفاوتی دارد؟ آیا تربیت اخلاقی به حوزه تربیت مربوط است و یا در حیطه اخلاق جای دارد؟ تربیت اخلاقی چه مقصودی را دنبال می کند؟

اهداف پژوهش

هر کاری زمانی مفید خواهد بود که انجام دهنده آن، نخست هدف ارزشمندی را در نظر بگیرد، سپس با توجه به امکانات و راه های رسیدن به آن، برنامه ریزی کند. تربیت نیز که از اهداف بسیار مهم خلقت و ارسال رسل و انزال کتب از سوی خداوند است. نمی تواند بدون هدف باشد. بر ماست که ضمن شناسایی اهداف تربیت در جهت تامین آن برنامه ریزی کنیم.

در صورتی که تعلیم و تربیت اسلامی عبارت است از تشکیل جامعه ای منطبق با نظام الهی «اعتقاد به خدای یگانه» نیل به شیوه ای زندگی که عشق به دنیا با زهد و ریاضت تلفیق می یابد و تکمیل فضایل معنوی و اخلاقی را سامان می بخشد. دانشمندان خدایپرست «درباره تعلیم و تربیت سخن فراوان گفته و نوشته اند» اما فرایند کلام امام طراوات دیگری دارد. البته دانشمندان «مطابق شناختی که از انسان داشته اند تعریف هایی برای تعلیم و تربیت ارائه داده اند و برخلاف همه تلاش و کوشش هایی که به عمل آمده و کتابهایی که در این زمینه نگارش یافته «انسان امروزه انسانی تربیت یافته نیست!! زیرا اصل و اساس تعلیم و تربیت که (تزکیه نفسانی) است در تعلیم و تربیت منظور نشده است. انتقال مهارت و دانش «یا شکوفا کردن استعدادها و یا به رشد رساندن افراد» چنان که در تعریف های قبل آمده بود مشکل انسانها را برطرف نمی کند.

خیلی پیشتر از این ایام (ویکتور هوگو) گفته بود: (گشودن یک مدرسه باعث از میان رفتن یا تعطیل کردن یک زندان است) ولی امروزه پس از گذشت حدود یک قرن درمی یابیم که این سخن جای اما دارد. از آن بابت که مدارس روز بروز متعددتر می شوند و دائماً در طریق توسعه و تکمیل اند ولی به موازات آن به تعداد زندانها نیز افزوده شده است.

مدارس می تواند وسیله هائی برای بستن در زندان ها گردند به شرطی که براساس و ملاک و میزانی ارزیابی شده افتتاح شوند که در مسیر خدمت به انسان ها و رفع موانع و مشکلاتی که در سر راه تکامل انسانی است در آن پیاده و اجرا گردد «هدفی الهی و انسانی را تعقیب کند» روش ها و برنامه ها سازنده و خدائی باشد.

اما با تأسف باید اذعان کرد که در سطحی وسیع مواجه با افرادی هستیم که ناسازگاراند، بداخلاق اند، مرتکب جرم و گناه می شوند، به سازش های نامشروع تن در می دهند، برای حفظ موقعیت کنونی خود هدف را نادیده می گیرند، رفتارشان ضداجتماعی است، معاشرت شان براساس ضوابط مقبول مذهب نیست، به قول و فعل شان نمی توان اعتماد کرد و ...!!

تربیت دینی

اما تعریف تربیت دینی یک مقدار متفاوت است. شما می دانید که خداوند متعال هدف خلقت انسان را در یک کلام بیان کرده است: «ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» [ذاریات، ۵۶]. یعنی همه ما آمده ایم که بندگی خدا را انجام بدهیم که آیه آن را هم می بینید و می شنوید اما این بندگی جز با تربیت دین محقق نمی شود. انسان از آنجا که یک پایه ی مهم تربیت دینی است نوع نگرش به او در چگونگی به عمل درآوردن این نوع تربیت، حائز اهمیت است. [قاسم پور، هاشمی، ۱۳۹۱]

تزکیه نفس اهمیتش بیشتر از مسأله تعلیم کتاب و حکمت است، مقدمه از برای این است که کتاب و حکمت در نفس انسان واقع بشود، اگر تزکیه بشود انسان، تربیت بشود به تربیت هایی که انبیاء علیهم السلام برای بشر هدیه آوردند، بعد از تزکیه کتاب و حکمت هم در او به معنای حقیقی خودش در نفس انسان نقش می بندد و انسان به کمال مطلوب می رسد ... [خمینی، ۱۳۶۸]. امام (ره) تمامی اختلافات، منهای اختلاف بین حق و باطل را از عدم تزکیه نفس می داند. در این جهت فرق نمی کند که اختلاف درون مرزی یا برون مرزی باشد. با وجودی که امام (ره) به علم و تخصص اهمیت به سزایی می دادند، فیضیه و دانشگاه را سنبل دین و دنیای مردم معرفی می کردند با این وصف از نظر تعلیم و تربیت اولویت را برای هر دو قشر به تهذیب نفس و تزکیه می دادند.

تربیت دینی با الهام از سیره تربیتی حضرت امام خمینی (ره)

۱ - اهمیت تربیت دینی

حضرت امام خمینی در هنگام حیات خود به دفعات هدف اساسی تعلیم تربیت را "تربیت دینی" دانسته اند. در زیر به چند نمونه از این تأکیدات اشاره می رود. "مواظب باشید که اعمالتان، اعمال صالح باشد، قیامتتان برای خدا باشد، اعمالتان برای خدا باشد، هر کدام بچه دارید، تربیت کنید، "تربیت الهی" بکنید، تربیت شیطانی نکنید." [خمینی، ۱۳۶۸] خودتان را تهذیب کنید و کودکان خودتان را تهذیب کنید. کودکان خود را "اسلامی" بار بیاورید. [خمینی، ۱۳۶۸] "شما اگر بتوانید این بچه ها را تربیت کنید به طوری که از اول بار بیایند به اینکه "خدا خواه" باشند، توجه به خدا داشته باشند، شما اگر عبودیت الله را و پیوند با خدا را به این بچه ها تزریق کنید. این بچه ها زود قبول می کنند آن را." [خمینی، ۱۳۶۸]

امام خمینی (ره) در این باره چنین فرموده است:

* «اگر چنانچه هواهای نفسانی بگذارد انسان به حسب فطرت الهی است، فطرت الله است. همه به او توجه دارند لکن این توجه به دنیا که توجه ثانوی است و اعوجاجی است جلوگیری می کند از آن مسائلی که باید باشد». [خمینی، ۱۳۶۸]

* «درتمام فطرت ها بی استثناء عشق به کمال مطلق است عشق به خداست».

۲ - روش های تربیت دینی در رفتار امام خمینی

۱ - ۲ - تکریم کودکان

یکی از روش های تربیت در اسلام که در قرآن مورد توجه است و حضرت امام(ره) به بهترین شکل آن، در منزل رفتار می کرده اند، روش تکریم کودکان است. در مصاحبه هایی که با اعضای محترم بیت معظم ایشان بعمل آمده این روش امام را یادآور شده اند. یکی از نکات این است که امام جواب نامه هایی را که بچه ها به ایشان می نوشتند با ابراز علاقه خاصی پاسخ داده اند. به عنوان مثال کودکی به امام نوشته بود که، من شما را بسیار دوست دارم و خیلی علاقه دارم شما را ببینم، امام در جواب نوشته بودند که: فرزندم نامه ات را خواندم هر زمان که می خواهی بیا و با من ملاقات کن. [وجدانی، ۱۳۷۸]

همچنین از قول یکی از نواده های حضرت امام نقل می شود که من وقتی به امام وارد می شدم سلام می کردم، اما ایشان سعی داشتند زودتر به من سلام کنند. وقتی که ایشان سلام می کردند من جواب سلام ایشان را می دادم خیلی مهربان و دلنشین با ما برخورد می کردند ... [طباطبایی، ۱۳۶۹]

۲ - ۲ - روش تکرار و تلقین

در دیدگاه امام یکی از روش هایی که می تواند مفید باشد "تلقین" است. انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته شود باید آن مسایلی که مربوط به ساختن خودش است تلقین کند بخودش تکرار کند یک مطلب که تأثیر در نفس و انسان باید بکند، با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می کند. [خمینی، ۱۳۶۸] ... اگر بخواهید یک بچه ای را شما تربیت بکنید باید یک مسئله را چندین دفعه با چند زبان، با چند وضع به او بخوانید، مطلب یکی باشد لکن طرز بیان این ها به طوری که در قلب او نقش ببندد. [خمینی، ۱۳۶۸]

۳ - ۲ - روش مطایبه و تفریح

مطایبه به معنی شوخی است. حضرت امام گاهی نوه های خود را سرگرم کرده واز این راه با آنها مطایبه می کردند و مطالب لازم را می آموختند.

۴ - ۲ - روش احسان در مقابل احسان

یکی از روش هایی که در اسلام به آن توجه می شود، احسان کردن درمقابل احسان است. اگر یک بزرگسال از یک خردسال رفتار انسانی ببیند با انجام رفتار مشابه نسبت به کودک، باعث تقویت آن رفتار در او می شود. این روش از جانب حضرت امام(ره) مورد توجه بوده است. از فرزند چهارمین شهید محراب حضرت آیت الله اشرف اصفهانی نقل می کنند که می گوید: در حدود ۴۰ سال پیش که ۱۴، ۱۵ ساله بودم روزی برای استحمام به گرمابه ای در قم رفته بودم در بدو ورود مشاهده کردم یکی از آقایان که سر خود را صابون زده و روی چشمانش نیز از کف صابون پوشیده است با دست به دنبال ظرف آب می گردد، بلافاصله ظرفی را نزدیکم بود برداشتم و از خزینه پر آب ساختم و دو بار روی سر ایشان ریختم. آن مرد نورانی نگاه تشکر آمیزی به من انداخت و پرسید آیا شما هم سر خود را شسته اید؟

عرض کردم، خیر تازه به حمام آمده ام. و بالاخره به گوشه ای رفتم و سر و صورت خود را صابون زدم، قبل از اینکه آب بر سر خود بریزم ناگاه دو ظرف آب روی سرم ریخته شد. چشم خود را باز کردم دیدم آن مرد بزرگ به تلافی خدمت من، با کمال بزرگواری محبت کرده است. در خانه موضوع را به مرحوم پدرم گفتم، لکن چون او را نمی شناختم نتوانستم معرفی کنم. یکی از روزهای عید مذهبی که با پدر به منزل علما می رفتم ناگاه چشمم به ایشان افتاد و او را به پدرم نشان دادم. پدرم فرمود، عجب! ایشان حاج آقا روح ا ... خمینی است

۵ - ۲ - رفتار عملی

رفتار مربی بیش از کلام او در افراد به ویژه کودکان تأثیر می کند. کودک سعی می کند در رفتارهای خود از بزرگسالانی که با او در ارتباط است تقلید نماید. تقلید تأثیر فوق العاده ای در تربیت دارد.

نکته ظریف اینجاست که هر قدر بین بزرگسالان و کودک رابطه عاطفی قوی تر حاکم باشد این تأثیر پذیری بیشتر است، لذا حضرت امام به رابطه مادر و کودک اشاره می کنند و ی فرمایند: "آنقدری که بچه از مادر چیز می شنود از پدر نمی شنود آنقدری که اخلاق مادر در بچه کوچک نورس تأثیر دارد به او منتقل می شود از دیگران عملی نیست. مادرها مبدأ خیرات هستند و اگر خدای نخواست مادرانی باشند که بچه ها را بد تربیت کنند مقصردند." [خمینی، ۱۳۶۸]

ادبیات و پیشینه تحقیق

برخی از پژوهش هایی که در این زمینه انجام گردیده است عبارتند از:

قربانی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «نگاهی به کارکردهای معرفتی دین در زندگی مدرن: بررسی نقش علم دینی»، به این نتیجه رسید که در حل بحران زندگی مدرن، به نظر می رسد نقش دین، به خصوص ادیان الهی، بر عوامل و مؤلفه های دیگر مقدم است؛ زیرا دین قادر است پاسخ پرسش هایی را که انسان مدرن از طریق علم و متافیزیک مدرن نمی تواند پاسخ آنها را بیابد و به انسان گوشزد کند.

سلیمانی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «علم دینی از امکان تا تحقق»، دریافت که فرایند تکوین علم دینی به این نحو قابل تصور است که پشتوانه های متافیزیکی برگرفته از اندیشه های دینی، در مراحل مختلف فعالیت علمی به کار گرفته شود. به سخن دیگر؛ هر گاه مضامین متافیزیکی بتوانند در مراحل چون: گزینش مسئله، طرح پژوهش، انجام مشاهده، پیشبینی و تفسیر، تأثیرآفرینی خود را آشکار کنند، فرایندی شکل گرفته است که محصول آن، دانش هایی متناسب با اندیشه های دینی خواهد بود .

زارعان (۱۳۷۹) می نویسد: گاه از تربیت دینی، تربیت به معنی ااعم اراده می شود. این معنی شامل همه ابعاد تربیتی در یک بستر دینی شده و می توان آن را با تربیت اسلامی مترادف دانست. منظور این است که کودک، نوجوان یا جوان مسلمان به گونه ای آموزش ببیند و تربیت شود که شخصیت او با اهداف دینی مطرح شده در قرآن شریف و روایات، همگونی داشته باشد و نهایتاً آن گونه باشد که بتوان او را مسلمان به معنای واقعی کلمه دانست.

با توجه به تحقیقات متعدد صورت گرفته، تاکنون پژوهشی در زمینه ماهیت علم تربیت دینی صورت نگرفته است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، تبیین ماهیت، ابعاد و مؤلفه های علم تربیت دینی است تا بتواند سهمی در افزایش دانش های بنیادین در این حوزه معرفتی داشته باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

هدف غایی تربیت دینی (اسلامی)

قرآن کریم: «طاعت و بندگی خداوند بر اساس علم، معرفت، تقوا و عمل صالح».

پیامبرخاتم (ص): «طاعات و بندگی خداوند بر اساس علم، معرفت، تقوا و عمل صالح».

امام علی (ع): «طاعات و بندگی خداوند بر اساس علم، معرفت، تقوا و عمل صالح».

امام حسین و دیگر معصومین (ع): طاعات و بندگی خداوند بر اساس ایمان به خدا، پیروی از حق و مبارزه با باطل.

فارابی: «سعادت در سایه هدایت و راهنمایی الهی».

غزالی: «سعادت در سایه معرفت به خدای تعالی».

خواجه نصیرالدین طوسی: «درک معقولات و تمیز قبیح از جمیل».

ملاصدرا: «شناخت حق، راه راست و رستخیز و عمل بر اساس رهنمودهای مربوط».

امام خمینی (ره): «شکوفایی فطرت و حصول اخلاق کریمه».

مرتضی مطهری: «پرستش خداوند (ایمان به خدا و عمل به اوامر خداوند)».

محمدباقر صدر: «قرب الهی (اعمال آگاهانه با نیت خالص)». [سیاوش، سعید پور طهماسبی، ۱۳۹۱]

مواد و روش ها

روش این پژوهش رویکردی تحلیلی، توصیفی و واکاوی به روش اسنادی و کتابخانه ای است. در این پژوهش سعی شده است تمام منابع موجود گردآوری و مطالعه شود که طی آن متن، در راستای دستیابی به تعاریف و حدود و مرزهای تربیت دینی و اخلاقی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته در مرحله نخست، کلیه فصول و مبانی تحلیل محتوا شده است و جملاتی که مضمون تربیت دینی داشت، شناسایی و به طور دقیق (با ذکر نشانی، متن و زمینه مصداقی) در فرم تحلیل محتوا ثبت شد و سپس رویکردهای تربیت دینی به همان روش مورد بررسی و پژوهش قرار گرفت و در نهایت تاثیر تربیت صحیح در راستای تحقق اهداف و رویکردهای اسلام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها

تربیت دینی؛ یعنی فراهم کردن زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در عمل عبادی وی. تربیت دینی، به سه نوع بدنی (ظاهری و بیرونی)، عقلی و قلبی (روحی، باطنی و درونی) تقسیم می شود.

اسلام ضمن اهمیت دادن به همه انواع تربیت هیچ یک از آنها را به طور انفرادی نمی پذیرد و اولویت نمی دهد، بلکه جسم، عقل و قلب و روان آدمی را به شکلی جامع و متعادل تربیت می کند، به گونه ای که هیچ یک از ابعاد وجودی او معطل نماند و در پرورش

هر یک از آنها نیز افراط و تفریط نشود. البته اصالت مربوط به تربیت درونی و روحانی انسان است و همیشه جسم ابزار روح بوده و تنها باید به نیازمندی های جسمی به عنوان وسیله (نه به عنوان هدف) نگاه شود.

در پاسخ به سوالات می توان اشاره کرد که تربیت دینی نوعی تربیت شخصیتی است، زیرا دین، انسان ساز است. لازم به ذکر است که هدف از تربیت رسیدن به هویتی پایدار است که حاصل تلاش فردی با اتکا به کاوش عملی و نظری باشد. اندیشیدن به خدا یک امر دستوری نیست بلکه یک فرایند اجتماعی و تدریجی است که در طول دوره رشد برای کودک اتفاق می افتد و به اندازه زیادی در یک تعامل اجتماعی صورت می گیرد (Brown, Capozza, 2002).

تربیت دینی در مفهوم خاص آن عبارت است از مجموعه تدابیر و اقدامات سنجیده و منظم تربیتی به منظور پرورش و تقویت ایمان و التزام متربیان به باورها، هنجارها و ارزش ها، احکام و دستورات، اعمال و مناسک دینی. بنابراین، تربیت دینی در شکل سالم خود، باید درصدد آن باشد که ایمان و عمل را در پیوند با یکدیگر پدید آورد. (Gergen, 1998)

اگر به سیره ی پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام توجه شود می توان آنچه را که آنان می گفتند، عمل می کردند و تأیید می نمودند تربیت دینی نامید. تربیت دینی به معنای حرکت عملی در جهت ایجاد اعتقاد قلبی، ابراز کلامی و عمل است. از این رو تربیت دینی ناظر به عملی کردن تربیت است. (Fox, Corbin, 1989).

حضور در عصر تکنولوژی و ارتباط تنگاتنگ آن با زندگی، انسان را از بازگشت به خود و تمایلات فطری و درونی عاجز ساخته و به نوعی از خودبیگانگی و عدم دینداری سوق داده است. فطرت پاک کودک و نوجوان امروز تحت سیطره و تسلط امواج بی دینی قرار گرفته است. ارزش های اسلامی در پی تلاش بی وقفه دشمنان در جنگ نرم مورد بی مهری قرار گرفته اند و باورهای دینی را دست های پنهانی نشانه گرفته است. وجود رسانه های جمعی از قبیل اینترنت و ماهواره عوامل خطر زایی هستند که کودکان و نوجوانان را تهدید می کنند و می توان شاهد کمرنگ شدن مسائل دینی و اخلاقی در جامعه بود. بسیاری از نوجوانان در اثر نا آشنایی با باورهای دینی به بحران های هویتی مبتلا هستند. کودکان و نوجوانان سرمایه های گرانقدر هر ملتی هستند چرا که مسئولیت های فردای هر کشور را عهده دار خواهند شد. (Gergen, 1996).

بزرگان خانواده و به ویژه والدین، نقش اساسی در تربیت فرزندان در دوران کودکی دارند، به گونه ای که حتی فطرت ثابت او را تغییر می دهند. این تغییر در حد محو و جایگزینی کامل نیست؛ زیرا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ؛ (روم، ۳۰) «این فطرتی است که خداوند، انسان ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش خدا نیست»؛ ولی به حدی است که آن را به فراموشی بسپارد.

در جوامع دینی و مذهبی نیز تربیت اخلاقی عامل تأثیرگذار در سعادت فردی و اجتماعی دانسته شده و هر چند این عنوان مرکب در آثار دانشمندان مسلمان نیست اما مباحث بسیاری به این فرایند اختصاص داده شده است. نظیر تغییر پذیری اخلاق، تأثیر گذاری تربیت بر اخلاق، شیوه درمان بیماری های اخلاقی، کیفیت تخلق به اخلاق حسنه روش تغییر اخلاق و ... این عناوین در آثار فارابی، ابن سینا، ابن مسکویه، غزالی، فیض کاشانی و ... موجود است. (باقری، ۱۳۹۹)

و ما در اینجا فقط به یک عبارت از ابن مسکویه اکتفا می کنیم: انسان در پرتو تربیت اخلاقی از رذایل و صفات نکوهیده می رهد و به فضایل و خصلت های ستوده آراسته می گردد، فضایل با تکرار اعمال شایسته به تدریج در نفس رسوخ یافته، رو به افعال نیکو از فرد سر می زند و او از انحطاط و پستی رهایی یافته و رو به سوی تعالی می نهد. (بهشتی، اعرافی، فقیهی و همکاران، ۱۳۸۸)

بحث و نتیجه گیری

گاهی از تربیت دینی، به تربیت به معنی الاخص یاد می کنیم. در این اصطلاح، در بین همه ابعاد تربیتی، به رشد معنوی و اعتقادی توجه ویژه ای می شود و بدین وسیله سایر ابعاد تربیتی و حتی بُعد اخلاقی از بحث خارج می شود. به منظور تمایز این بعد خاص تربیتی، این نوع تربیت دینی را تربیت ایمانی یا معنوی می نامیم. بر اساس این تعریف خاص، دیگر نمی توان در تبیین تربیت دینی، منابع اخلاقی را اصل قرار داد. آری اخلاق اسلامی از دین نشئت گرفته و در تعریف هدف و همچنین در راه رسیدن به آن از دین کمک می-گیرد؛ اما سخن این است که می توان مسائل تربیت دینی را از مسائل تربیت اخلاقی جدا نمود و برای هر کدام باب مستقلی باز کرد؛ مراد از این نوع آموزش و پرورش این است که شرایطی برای فرد مورد تربیت ایجاد شود تا نگرش او نسبت به خود، جهان اطراف و خالق این جهان بر اساس آنچه «خود» می-یابد و فطرت او اقتضا می کند رشد کرده و آنچه را که لازمه پیمودن این مسیر است فراگیرد. به دیگر سخن، همچنان که این معنا از تربیت دینی را تربیت ایمانی نامیدیم، مراد این است که شرایطی برای متری فراهم آید تا ایمان او تقویت شود و جایگاه خود را در کل مجموعه هستی باز یابد.

عناوینی در قرآن کریم و روایات مطرح شده که ناظر به اهداف تربیت نفس و تزکیه روح است. البته این اهداف هم سطح نیستند. برخی مقدمه برای برخی دیگر است و به تعبیر دیگر بعضی اهداف متوسط هستند و بعضی اهداف عالی. مثلاً هدف از عبادت و بندگی تحصیل تقواست: «و اعبدوا ربکم... لعلکم تتقون» و هدف از تقوا فلاح و رستگاری است: «و اتقوا الله لعلکم تفلحون» چنان که هدف از اقامه نماز یاد خداوند است: «اقم الصلوة لذكری» و هدف از یاد خداوند آرامش قلب و طمأنینه روح است: «الا بذكر الله تطمئن القلوب» و هرگاه انسان به مقام اطمینان نفس دست پیدا کند، به مقام رضای حق و قرب پروردگار نایل می شود: «یا ایتهال نفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة».

چنانچه گفتیم یکی از استعدادهای بسیار مهم انسان گرایش او به کمال است. انسان موجودی کمال خواه و حقیقت طلب است و دوست دارد تمام کمالات را دارا باشد، و از آن جهت که این استعداد و گرایش به سمت بی نهایت است و وجود بی نهایت از نظر معارف دینی تنها خدای متعال است که تمام کمالات را بالفعل دارد، می توان گفت که هدف و مطلوب نهایی در رویکرد تربیتی اسلام نزدیک شدن هر چه بیشتر به سرچشمه هستی و کمال مطلق (خداوند) است.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر قابل درک است که به موضوع ظرفیت تکاملی و گستره وجودی انسان توجه کنیم؛ زیرا زندگی و تکامل وجودی انسان محدود به همین زندگی دنیا نیست، بلکه قلمرو بسیار گسترده تر و وسیع تری از آن را شامل می شود.

انسان دارای فطرت ویژه ای است، و با توجه به آن لقب برترین مخلوق را به خود اختصاص داده است. ویژگی های فطری و توانایی های آن زمینه ساز هدفی است که انسان برای آن آفریده شده است به گونه ای که می تواند بدون هیچ محدودیت زمانی و مکانی به رشد خود بپردازد و از ملک هم پرآن تر شود. پس زمینه های رسیدن به آن هدف نیز در فطرت او نهاده شده است که باید با تربیت صحیح و به موقع شکوفا گردد. می توان گفت که تمام موجودات عالم هستی برای بهره وری آفریده شده اند. همه کارها و عبادات انسان مقدمه و زمینه برای تربیت اوست.

به فرموده امام راحل «ره»: «تمام عبادات وسیله است. همه وسیله این است که انسان این لبایش ظاهر بشود؛ آنچه بالقوه و لب انسان است به فعلیت برسد. انسان بالقوه انسان بالفعل شود؛ انسان طبیعی یک انسان الهی بشود؛ هر چه که می بیند حق ببیند. انبیاء هم برای این آمده اند. همه اینها وسیله اند.»

امام صادق (علیه السلام) این مطلب را با بیان شیوا بیان کرده است:

«العبودية جوهره كنهها الربوبية فما فقد في العبودية وجد في الربوبية و ما خفى عن الربوبية اصيب في العبودية؛ بندگی جوهری است که اساس و ذات آن ربوبیت است، پس آنچه در مقام عبودیت ناپیدا شود در مقام ربوبیت هویدا گردد و هر مقدار که از مراتب و صفات ربوبیت پوشیده شود در مراحل عبودیت جلوه گر شود.»

این بیان امام صادق (علیه السلام) در کلام امام راحل تبیین و تفسیر بسیار زیبایی یافته است که می فرماید: «کسی که با قدم عبودیت سیر کند و داغ ذلت بندگی را در ناصیه خود گذارد وصول به عزت ربوبیت پیدا کند. طریق به حقایق ربوبیت سیر در مدارج عبودیت است، و آنچه در عبودیت از آنیت و انانیت مفقود شود در ظل حمایت ربوبیت آن را می یابد تا به مقامی برسد که حق تعالی سمع و بصر او و دست و پای او شود. چنانچه در حدیث صحیح و مشهور بین فریقین وارد است و چون از تصرفات خود گذشت و مملکت وجود را یکسره تسلیم حق کرد و خانه را به صاحب خانه واگذار نمود و فانی در عز ربوبیت شد صاحب خانه خود متصرف در امور گردد، پس تصرفات الهی گردد؛ چشم او الهی شود؛ با چشم حق بنگرد و گوش او الهی شود؛ با گوش حق بشنود». امام علی (علیه السلام) که خود از سالکان واصل به این هدف است می فرماید: «ما رایت شیئا الا و رایت الله قبله و بعده و معه».

بنابر این آثار دانشوران و عالمان مسلمان در اخلاق آمیخته به تربیت اخلاقی است. مقصود از تربیت اخلاقی فراگیری و عمل به آداب و رسوم اجتماعی نیست زیرا آداب و رسوم غیر از اخلاق است و بدین جهت در هر کشور و در هر منطقه ای از جهان آداب و رسوم اجتماعی ویژه ای بر اساس ملاحظات نژادی، جغرافیای، مکانی، زمانی، اقلیمی، قبیله ای، گروهی، و ... ظهور و بروز پیدا می کند که در منطقه و مکان دیگر هیچ اعتباری ندارند در صورتی که فرایند اخلاق یافته ها و آموزه ها و مسایل ریشه دارد و بنیادین اند و با عمق جان انسان با فطرت و ساختار و جودی و با واقعیت تکوینی در ارتباط وثیق و عمیق اند.

همچنین مقصود از تربیت اخلاقی تنها به معنای به کارگیری شیوه ها و روش های تربیتی اعم از خود سازی و یا تربیت افراد نیست. زیرا در فرایند اخلاق نیز شیوه تخلق به اخلاق سخن به میان می آید اما آنچه درباره ماهیت و تعریف تربیت اخلاقی می توان گفت این است که تربیت اخلاقی یکی از اقسام تربیت است و به حوزه و قلمرو خاصی از تربیت مربوط است یکی از اقسام تربیت است و به حوزه و قلمرو خاصی از تربیت مربوط است نظیر تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت جنسی و ... از این رو تربیت اخلاقی در حیطه تربیت قرار دارد و از حوزه اخلاق خارج است.

اینک با توجه به نکته فوق می توان تربیت اخلاقی را این چنین تعریف کرد: برانگیختن، فراهم ساختن و بکار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پای بندی و عینیت دادن ارزش های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. بر این اساس، رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. بر این اساس، در تربیت اخلاقی تلاش می شود با بهره گیری از دانش تعلیم و تربیت و یافته های تربیت اهداف اخلاقی را عینیت بخشید.

ارکان این تعریف عبارت است از: ۱- انگیزش در جهت احساس نیاز نسبت به مسائل اخلاقی و تخلق به اخلاق حسنه. ۲- آموزش آموزه های اخلاقی و شناخت فضایل و رذایل. ۳- التزام، پای بندی و تقید به اخلاق حسنه و اعتقاد به پیراسته سازی دل و جان از اخلاق بد. ۴- توانایی در جهت عمل کردن اخلاق خوب و توانایی بر مهار خود از اخلاق بد. ۵- جهت گیری بر پایه رسیدن به سعادت و کمال جاودانه. بنابر این دانش تعلیم و تربیت از داده ها و یافته های اخلاق بهره می گیرد و با ساز و کارهای خود نگرش و رفتار اخلاق را در افراد ایجاد می کند و در گام نخست آدمی را از خود محوری رهایی می دهد و به او رنگ خدایی می بخشد.

پیشنهادهای پژوهشی

بر اساس آنچه رفت پیشنهاد می شود نسبت به رعایت نکات زیر توجه شایسته صورت پذیرد:

- ۱- از موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) توقع می رود. نسبت به جمع آوری مجدد خاطرات حضرت ایشان خصوصاً در زمینه تربیت کودکان و به ویژه تربیت دینی آنان تلاش تازه ای صورت دهد. چرا که حضرت امام به دلیل اشراف در دین و مذهب قطعاً الگوی بسیار مناسبی در تربیت عرضه داشته اند که شاید هنوز بازشناسی و تنظیم نشده باشد.
- ۲- از وزارت آموزش و پرورش توقع می رود در جهت آشناسازی نسل کودک و نوجوان شور با زوایای زندگی ایشان - البته با استفاده از بیان هنری و قالبهای جذاب آن - خاطرات ایشان را مورد بهره برداری قرار دهند. همچنین این وزارت لازم است در زمینه تربیت دینی کودکان و نوجوانان به سیره آن امام عزیز، اهتمام خاص مبذول دارد.
- ۳- بر محققان و دانش پژوهان علوم دینی و دانشگاهی است که در زمینه برخورد های تربیتی ایشان به بررسی و تفحص چند باره دست زنند تا در سایه این پژوهش ها زوایای دقیق این امور روشن و مورد توجه و الگو قرار دادن سایرین شود.

منابع

- ۱-قرآن کریم
- ۲-مطهری، مرتضی، (۱۳۵۱). تعلیم و تربیت در اسلام، موسسه انتشارات صدرا.
- ۳-مجلسی، محمدباقر، (۱۳۱۵ق). بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵۶، ص ۵۳.
- ۴-کارل، الکسیس، (۱۴۰۲). انسان، موجود ناشناخته، مترجم، پرویز دبیری.
- ۵-غزالی، ابوحامد، (۴۵۰ق). احیاء العلوم، ج ۳، ص ۵۲ - ۵۳.
- ۶-خواجه طوسی، نصیر الدین محمد، (۶۷۲ق). اخلاق ناصری، ص ۱۰۷.
- ۷-مطهری، مرتضی، (۱۴۰۱). انسان کامل، ص ۳ - ۹.
- ۸-حجتی، محمدباقر، (۱۳۸۵). اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۴۰.
- ۹-شکوهی، غلامحسین، (۱۴۰۱). مبانی و اصول آموزش و پرورش، ص ۶۲.
- ۱۰-پاپکین، ریچارد، (۱۳۹۴). کلیات فلسفه، ترجمه دکتر سیدجلال الدین مجتبی، ص ۷۸.
- ۱۱-سیاوش، سعید پور طهماسبی، (۱۳۹۱). « رویکرد اسلامی در بهرگیری از رسانه های پست مدرن در تربیت دینی »؛ فصلنامه پژوهش نامه تربیت تبلیغی، پیش شماره دوم، زمستان.
- ۱۲- خمینی، روح الله، (۱۳۶۸). صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۰۴-۵۰۷.
- ۱۳- خمینی، روح الله، (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد ۶، ص ۱۰۶-۱۰۷. - صحیفه امام، جلد ۷، ص ۵۳۳-۵۳۴.
- ۱۴-وجدانی، مصطفی، (۱۳۷۸). ناشر، پیام آزادی.
- ۱۵-طباطبایی، سید عماد الدین، (۱۳۶۹). نوار دریافتی از صدا و سیما.

۱۶- خمینی، روح الله، (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۳۲۱-۳۲۳.

۱۷- - خمینی، روح الله، (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد ۱۰، ص ۳۴-۳۵.

۱۸- خمینی، روح الله، (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد ۸، ص ۴۲۵-۴۲۷.

۱۹- باقری، خسرو، (۱۳۹۹). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه.

۲۰- اعرافی، بهشتی، ابوجعفری، فقیهی، (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، انتشارات سمت.

۱-Brown, R., Capozza, D), ۲۰۰۲. (. Introduction: Social identity theory in revisiting and perspective .

In Dora Capozza, Rupert Brown (eds). Social identity processes: Trends in theory and research. London: Sage

۲-Gergen, KJ), ۱۹۹۸. (The ordinary, the original and the believable in psychology's construction of

the person, Reconstruction the Psychological Subject, London: Sage .

<http://www.swarthmore.edu>

۳-Fox, KR., Corbin, C), ۱۹۸۹. (Physical Self-Perception Profile: Development and preliminary

validation. Journal of Sport & Exercise Psychology,; 11(7): 408-430.

۴-Gergen, KJ), ۱۹۹۶. (Technology and the self: From the essential to the sublime. Chapter draft for

Grodin & Lindlof (eds), <http://www.swarthmore.edu>